

کریمی در گفت‌وگو با ایلنا:

دلایل و تبعات احتمال قرار گرفتن سپاه در لیست سپاه اروپا/ در محاسبات وزارت خارجه چیزی به نام اتمسفر محیط بین‌المللی و اجماع‌سازی علیه کشور وجود ندارد

کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: راس هرم وزارت خارجه کنونی واقعاً فاقد بضاعت کارشناسی است. بنابراین در محاسبات خود چیزی به نام «اتم‌سفر محیط بین‌المللی» و «اجماع‌سازی علیه کشور» را متوجه نمی‌شود و تصمیم‌های راهبردی را به سیستم تصمیم‌سازی پیشنهاد نمی‌کند. چون وزارت امور خارجه علاوه بر انجام امور محوله نقش دیدبانی هم برای نهادهای تصمیم‌گیر کشور بازی می‌کند و تحلیل را از محیط بین‌المللی وزارت خارجه به سیستم منتقل می‌کند.



ساسان کریمی محقق پسا دکتری دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در پاسخ به این سوال که پشت پرده تلاش برای قرار دادن نام ایران در لیست گروه‌های تروریستی توسط اروپایی‌ها چیست و به دنبال چه برنامه‌ای هستند، گفت: واقعیت این است که ما از

پشت پرده سیاست کشورهای اروپایی بی خبریم. اما آنچه می توان در سطح تحلیل گفت این است که به طور کلی اروپا در رویکرد جدید خود در قبال ایران در سطوحی بیشتر به جمهوری خواهان آمریکا نزدیک شده است و این موضوع البته جای تاسف دارد.

کریمی در پاسخ به این سوال که دلیل به وجود آمدن چنین مسیری توسط اروپایی ها چیست، گفت: به چهار دلیل کار ما با اروپا به این نقطه رسیده است؛ یکی عدم احیای برجام و اینکه سیاستمداران اروپایی احساس کردند در تمام این مدت با آن ها بازی شده است و در دو مقطع (اسفند ۱۴۰۰ و تیر سال جاری) با بازگشت تقریبی حدی از دستاوردهای آقای عراقچی در دور ششم مذاکرات (خرداد ۱۴۰۰) باز هم بدون علت قابل فهمی برای کشورهای اروپایی مذاکرات به سرانجام نرسیده و باز مانده است.

وی افزود: علت دوم مربوط به افکار عمومی درون اروپا است که در ماه های گذشته در رسانه ها و نیز به واسطه تحرکاتی در خارج از کشور کار را برای نرمش در قبال ایران سخت کرده است.

وی تصریح کرد: سومین علت نداشتن منافع قابل اهمیت در ایران است. در نسبت با کشورهای رقیب ایران مانند کشورهای عربی و ترکیه و غیره واقعاً میزان منافع درگیر غرب در ایران نزدیک به صفر است و این «گذشتن از منافع» را برای آنان ساده می کند. حتی شاید بتوان گفت امروز گذشتن از ایران برای کشورها نه تنها بی هزینه شده است بلکه فایده هم دارد.

کریمی در ادامه گفت: علت چهارم هم از دید اروپایی ها همراهی ایران با روسیه در جنگ اوکراین است که ضمن تهدید ژئوپلیتیک آن ها، افکار عمومی را هم در اروپا نسبت به ایران سرسخت تر و حساس تر کرده است. جنگ اوکراین از نظر غرب یک جنگ ضد اروپایی است و مساله پهبادهای و دیگر موارد که ما نتوانستیم در گفت و گویی حرفه ای حل و فصل کنیم برای ما موجب هزینه های اعتباری چشمگیر شده و در واقع ما ناخواسته شریک شکست روسیه در جنگ اوکراین شده ایم.

وی در پاسخ به این سوال که برخی معتقدند که تروریستی نامیدن سپاه توسط اروپایی ها باعث می شود که اسرائیل برای مقابله با ایران در خاک ایران دستش باز باشد و این اقدام هزینه هرگونه جنگ را برای اسرائیل کاهش می دهد، نظر شما در این خصوص چیست؟ نقش اسرائیل در پشت پرده این تصمیمات چیست و چگونه می شود اقدامات اسرائیل در این زمینه را خنثی کرد، گفت: این طور موارد بعد حقوقی خاصی ندارند و بیشتر فشار سیاسی هستند. بله از نظر سیاسی وقتی یک کشور حامیان زیادی در محیط بین المللی نداشته باشد برخورد قهر آمیز و حتی دیگر انواع برخورد با آن کم هزینه و همانطور که گفته شد گاهی دارای منفعت نیز می شود.

وی افزود: به نظرم می آید که لابی اسرائیل در اروپا و ایالات متحده قوی تر از آن است که ما در محاسباتمان برای آن نقش قائل می شویم. واقعاً فشارهای سیاسی زیادی از جهات مختلف به سیاستمداران در غرب از جانب لابی اسرائیل وارد می شود و این حتی در حوزه تصمیم سازی و اندیشکده ای هم چشمگیر است که نهایتاً گاهی به چنین مواردی هم می انجامد.

وی تصریح کرد: خنثی کردن چنین کاری با برنامه کوتاه مدت واقعاً به طور دفعی ممکن نیست؛ اگر چنین اراده ای در سطوح بالای تصمیم سازی نظام به وجود بیاید نیازمند تغییرات زیاد در سطوح اندیشکده ای و اجرایی است. به طوری که حوزه تصمیم سازی و اندیشکده ای و نیز سطح بالای دولت از غیر متخصص ها و متخصص نماها که فاقد جاهت حرفه ای و تخصصی هستند و صرفاً مواضع خود را در فرمت بولتنی ارائه می کنند، خالی شود. در این صورت و به شرط بازگشت انسجام ملی در حمایت از سیاست های کشور می توان به طور حرفه ای به امر سیاست ورزی و پیش برد منافع ملی اقدام کرد که در این صورت این موارد خنثی می شوند.

کریم در پاسخ به این سوال که برخی عنوان می کنند که تلاش غرب و اسرائیل بر این است که سپاه را در موقعیتی مانند طالبان، بر و یا حتی داعش نزد افکار عمومی قرار دهند این در حالی است که سپاه عملاً نیروی نظامی رسمی کشور ما است و نباید اجازه

چنین شبیه‌سازی به آنها داده شود چراکه در این صورت سیاستمداران اروپایی راحت‌تر خواهند توانست افکار عمومی کشورهای خود را قانع کنند که اسرائیل دارد با یک سازمان تروریستی می‌جنگد. نظر شما در این خصوص چیست، گفت: من به این سادگی فکر نمی‌کنم که کار به اقدامات قهر آمیز بینجامد ولی در هر حالی این موارد برای انزوای کشور و نیز نیروهای حاکمیتی آن می‌تواند به طور بالقوه دستمایه چنین اعمالی قرار گیرد. به هر حال شما به عنوان سیاستمدار حرفه‌ای باید تلاش کنید کشورهای مقابلتان با یکدیگر علیه شما ائتلاف نکنند و منافعشان در قبال شما با یکدیگر متعارض باشد. به هر حال این موارد که بیشتر بار سیاسی دارد در روز واقعه به کار چنین اموری می‌تواند بیایند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به این سوال که آمریکا زمانی سپاه را لیست گروه تروریستی قرار داد که ارتباط دیپلماتیکی با ایران نداشت اما ایران و اروپا دارای روابطی هستند اگر سپاه توسط اروپا در لیست تروریستی قرار بگیرد به مراتب تبعات بیشتری خواهد داشت، ارزیابی شما از این گزاره چیست و اساس تفاوت تبعات دو اقدام اروپا و آمریکا چگونه قابل مقایسه است، گفت: مساله هم ارتباط دیپلماتیک است و هم فراتر از آن اینکه این امر در ایالات متحده در زمان ترامپ انجام شد و در زمره اعمال دیوانه‌وار او قلمداد می‌شد و به لحاظ افکار عمومی واجد مشروعیت نبود ولی اروپا که امروز این موضع‌گیری‌ها را در سطح پارلمان اروپایی و احیاناً شورای اروپا و نیز دولت‌های بزرگ قاره سبز انجام می‌دهد به نوعی سازنده هنجارهای بین‌المللی است.

وی افزود: یعنی واقعیت این است که بار سیاسی، رسانه‌ای و افکار عمومی این دو عمل با هم به غایت متفاوت است و باید به این مساله توجه کرد. وزارت امور خارجه ما و نیز ریاست جمهوری ما به خصوص در معاونت حقوقی واکنشی، غیرکارشناسی و دست دوم عمل می‌کنند و همین موجب شده است که حتی از بدنه کارشناسی وزارت خارجه هم استفاده متناسب مشاهده نشود. از این روست که شما می‌بینید ظرف یک سال و نیم ما از موضع بالا و محق و طلبکار در محیط بین‌المللی به مقابل آن تغییر موقعیت داده ایم و این مایه تاسف است.

کریمی در پاسخ به این سوال که سایه این اقدام روی هرگونه فعالیت هسته‌ای ایران را چگونه می‌بینید برخی معتقدند اروپا با استفاده از این گزاره و همراه کردن افکار عمومی با آن قادر خواهد بود با افزایش بهانه‌جویی‌ها خیلی راحت‌تر از قبل فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را زیر سوال ببرد و این مساله اتفاقی که در عراق افتاد و بهانه آمریکا برای حمله به عراق را تداعی می‌کند، این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید، گفت: برای زیر سوال بردن پرونده هسته‌ای ما، تا حد زیادی اراده سیاسی کافی است. چرا که تاکنون هم موارد اظهاری از سوی غرب در حوزه هسته‌ای چندان جنبه حقوقی و فنی قوی نداشته‌اند. اما فشار سیاسی می‌تواند اقدام در قالب مکانیسم اسنپ بک را برای فرانسه یا بریتانیا آسان‌تر کند و ما مجدداً به ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد بازگردیم. ضمن آنکه غروب‌های برجام هم از دست رفته‌اند و این نقطه در شرایط کنونی بیش از گذشته برای کشور خطرناک است و الزام ما اکنون به وجود آوردن نوعی اجماع ملی و سیاست‌سازی و سیاست‌ورزی حرفه‌ای است.

محقق پسادکتری دانشگاه تهران در پاسخ به این سوال که نقش برخی اقدامات تحریک‌کننده و خودسرانه مانند دیوان‌نویسی روی سفارت انگلیس و یا برخی اظهارنظرهای افراطی و بی‌مورد از سوی مسئولان کشورمان را در تشدید این تنش چقدر موثر می‌دانید، گفت: این اقدامات جاهلانه یا خائنانه است. چرا که به شدت بی‌فایده و به شدت پرهزینه هستند و کار را برای طرف‌های خصم ما آسان می‌کنند. ما در موارد مشابهی مانند حمله به سفارت انگلستان و عربستان سعودی حتی شاهد تقبیح عمل از سوی بالاترین مقامات نظام بوده‌ایم ولی این امور باز هم تکرار می‌شوند. این اعمال تنها کاری که در محیط بین‌المللی می‌کنند مشروعیت‌زدایی از ماست و واکنش سفرای کشورهای اروپایی در این مصادیق نیز از همین جنس بود.

کریمی در پاسخ به این سوال که دستگاه دیپلماسی کشور در به وجود آمدن این شرایط تا چه میزان تاثیرگذار بوده و به چه شکلی می‌توان نقش دیپلماسی را در کاهش این تنش تقویت کرد، گفت: اتفاقاً ضعف دستگاه دیپلماسی که در راس آن قرار دارد، بیشترین زمینه را در بروز این موضوعات در این یک سال و نیم موجب شده است. توان کارشناسی وزارت خارجه نسبتاً خوب است اما راس هرم وزارت خارجه کنونی واقعاً فاقد بضاعت کارشناسی است. بنابراین در محاسبات خود چیزی به نام «اتم‌سفر محیط بین المللی» و «اجماع سازی علیه کشور» را متوجه نمی‌شود و تصمیم‌های راهبردی را به سیستم تصمیم‌سازی پیشنهاد نمی‌کنند. چون وزارت امور خارجه علاوه بر انجام امور محوله نقش دیدبانی هم برای نهادهای تصمیم‌گیر کشور بازی می‌کند و تحلیل را از محیط بین المللی وزارت خارجه به سیستم منتقل می‌کند. بنابراین در صورت فقدان حلقه کارشناسی و نقش آفرینی مواضع افراد در این میان، کار برای تصمیم‌گیری دشوار تر شده و ضریب خطا افزایش می‌یابد.

وی در پاسخ به این سوال که با توجه به ساختار اقتصادی کشورمان، با تروویستی نامیدن سپاه، این اقدام چه تاثیراتی در وضعیت اقتصادی کشور خواهد گذاشت و چه پیامدهایی در حوزه اقتصادی کشور به همراه خواهد داشت، گفت: البته ضریب تاثیر چنین امری را باید در تصمیم‌گیری دولت‌های اروپایی دید و با صرف قطعنامه به جز اتفاق سیاسی بار دیگری به سیستم تحمیل نمی‌شود ولی اساساً اگر اراده بر تحریم‌های بیشتر در حوزه بخش خصوصی و غیره باشد می‌توان همه چیز را به این موضوع نسبت داد و عرصه را برای تجارت با ایران تنگ‌تر کرد. به خصوص که تحریم‌ها وقتی برچسب‌های گوناگونی بخورند ضریب تاثیر متفاوتی پیدا می‌کنند و این برچسب خیلی حساسیت برانگیز است.

کریمی در پاسخ به این سوال که احتمال احضار سفرا را چقدر عملیاتی می‌بینید و تبعات آن چه خواهد بود، گفت: فعلاً این مساله را نزدیک نمی‌بینم. چرا که این تحلیل هم در اروپا وجود دارد که قطع ارتباط می‌تواند به رادیکال شدن بیشتر کشورها بینجامد و فقدان ارتباط، طراحی را برای واکنش‌های احتمالی سخت خواهد کرد. اما تبعات آن اگر رخ دهد سنگین است و نشانه خوبی از جهتی که به آن سمت می‌رویم نیست.

این کارشناس مسائل سیاست خارجی در پاسخ به این سوال که راهکارهای علمیاتی توسط دستگاه دیپلماسی کشور برای خروج از بحران احتمالی چه باید باشد، گفت: به نظرم نمی‌رسد که این مدیریت در وزارت خارجه توان طراحی و تحلیل مفیدی داشته باشد. در صورت اراده برای دفع شر می‌بایست یا ابتکار عمل در حوزه‌های امنیت بین الملل از وزارت خارجه به جای دیگری در حاکمیت منتقل شود و یا اینکه وزارت خارجه فارغ از رویکرد اعلامی دولت حاضر با نگاهی ملی تغییرات اساسی کرده و در حوزه مدیریتی و کارشناسی در سطح بالا بتواند چهره و توانمندی جدیدی از خود ارائه کند که بعید است و از اساس ممکن است در همکاری با دیگر بخش‌های دولت دچار مشکل شود.

کریمی در پاسخ به این سوال که در مذاکرات هسته‌ای یکی از گره‌های سخت گفت‌وگوها که چالش زیادی به همراه داشت موضوع خروج سپاه از لیست سیاه آمریکا بود در صورت تکرار این اقدام از سوی اتحادیه اروپا بازکردن گره احیای برجام چقدر دست نیافتنی‌تر خواهد شد، گفت: من مذاکرات احیای برجام را در شرایط فعلی بلاموضوع می‌دانم. تنها اثر آنچه از برجام باقی مانده است تا این لحظه شدیدتر نشدن رویکرد نسبت به غنی‌سازی‌ها و اقدامات هسته‌ای ما بوده که البته بسیار مهم است. ولی به نظر می‌رسد غرب برای فشار آوردن به ایران در محیط بین المللی دیگر به بهانه هسته‌ای نیازی ندارد چرا که با کنش‌هایی که در مذاکرات برجام و زمان اجرای آن تا سال گذشته رخ داد این موضوع از صدر لیست موضوعات حساسیت برانگیز خارج شد. ضمن آنکه حالا بهانه‌هایی با چهره مقبول‌تر و باروری بیشتری برای چنین پروژه‌هایی پیش آمده و در دسترس است.

وی افزود: اما اگر برجام احیا شده بود و رویکردهای نامناسب موجب عدم توفیق مذاکرات نشده بود به احتمال قوی می توان گفت که این بهانه‌های تازه اساسا به وجود نمی آمدند چرا که هم در داخل و هم در حوزه بین‌الملل ما واجد چشم اندازهایی می شدیم که همگان را به صبر بیشتر فرا می خواند.

لینک کوتاه

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1321720>



نرم افزار موبایل ایلنا 